



۶-۳-۳

ضمیمه نوجوان

شماره ۱۳۸ ■ ۴ اسفند ۱۴۰۱

نوجوان
معلم



مهیار
گل محمدی

به بهانه حاشیه‌های معلم قانمشهری، به چگونگی انتخاب معلمان در مدارس کشور پرداخته‌ایم

اعتبار دوزاری

جلوگیری کرد. با توجه بیشتر به معلمان و حمایت آنها که تنها بخشی از این حمایت می‌تواند حمایت مالی باشد.

این آزمون هم مانند کنکور بیشتر دانش داوطلبان را می‌سنجد، نه میزان توانی، استعداد و لیاقت آنها برای حضور در کلاس به عنوان آموزگار. انگار که سیاست‌گذاران بیش از اندازه به دوره یکساله مهارت‌آموزی خودایمان دارند. دوره‌ای که انگار قرار است معلم‌های نمونه‌ای تربیت کند که هرچه سریع‌تر بتواند خلأ معلمان بازنشسته را پر کند.

معلمان بازنشسته‌ای که برای درآمد بیشتر راهی مدارس غیردولتی می‌شوند و دیگر قصد همکاری با مدارس دولتی را ندارند. مدرسی که خودش شکاف آموزشی ایجاد می‌کند و موجودیت آن قابل بحث است که یکی از دلایل هزینه‌ای است که دولت با توجه به بودجه تعیین شده باید به مدارس اختصاص بدهد که انگار از پش بر نمی‌آید و قصدی هم برای افزایش بودجه اختصاصی به این موضوع راندارد و از وجود مدارس غیردولتی هم بدش نمی‌آید.

راه حل دوه علاوه یک:

راه سومی که برای معلم شدن وجود دارد. شروع به کار در مدارس غیردولتی است که مدیر مدرسه با توجه به سیاست‌هایش و بی‌توجهی به سابقه تجربی و آموزشی افراد در زمین تدریس آنها را سر کلاس می‌فرستند که نمونه‌اش می‌شود معلم قانمشهری که چون درست آموزش ندیده بود و توجیه نشده بود اتفاقی رارقم می‌زند و بعد مجبور به عذرخواهی می‌شود.

هرچقدر که دقیق‌تر و عمیق‌تر به موضوع معلمان و بعد تربیت معلمان و مدرسین نگاه می‌کنیم، ترک‌هایی می‌بینیم که به دلیل بی‌توجهی‌ها و برنامه‌ریزی نادرست و نبود ساختار و تشکیلات مناسب ممکن است هرچه زودتر به شکاف‌ها و شکستگی‌های بزرگی در فرهنگ و آرمان‌های مان ایجاد کند. پس حداقل برای آینده خودمان - که بالاخره ما هم روزی قرار است از پشت میزها کنار بیایم و خانه‌نشین شویم - که قرار است توسط دانش‌آموزان دبستانی این روزها ساخته شود، بیشتر در انتخاب و گزینش و از همه مهم‌تر به چگونگی تربیت یک معلم جدید بپردازیم. قبل از این که خیلی دیر بشود.

زمان انتخاب رشته، کدهای دانشگاه فرهنگیان یا شهید رجایی را در دفترچه خود وارد کنند که این انتخاب می‌تواند مربوط به علاقه آنها به تدریس و هدفی که از مدت‌ها برنامه‌اش را ریخته‌اند باشد یا از سرناچاری و صرفاً برای تحصیل در یک دانشگاه دولتی. پس از اعلام نتایج نهایی، افرادی برای مصاحبه با دانشگاه و گزینش و انتخاب فراخوانده می‌شوند. مصاحبه‌ای که چارچوب‌های مشخصی دارد و هرکس می‌تواند از پیش خودش را برای آن آماده کند. طی این مصاحبه قرار است از اعتقادات و باورهای فرد مطلع شویم. - انگار که او دست‌پرورده نظام آموزشی خودمان نبوده است و ممکن است اشکالاتی داشته باشد - سپس جویا می‌شویم که آیا فرد علاقه‌ای به تدریس دارد یا خیر؟ انگار که خودمان هم می‌دانیم ممکن است، باشند در این میان افرادی که بی‌میل و تنها به دست تقدیر راهی این دانشگاه و این رشته شده‌اند. در اصل این مصاحبه اصلاً تمرکزی روی توانایی‌های فرد و میزان آمادگی و استعداد او برای تبدیل شدن به یک معلم - که قرار است نسل جدیدی را تربیت کند - ندارد. شاید به این امید که قرار است در طول تحصیل دانشجویان موارد را به او بیاموزیم که ای‌کاش شاهد همین اتفاقی بودیم! یک دبیر در طی تدریسش باید توانایی‌های خاصی داشته باشد مانند: روان‌شناسی کودک و نوجوان، توانایی ارتباط‌گیری با دانش‌آموزان در سنین مختلف و حتی توان انتقال مفاهیم به شیوه صحیح و کامل که گویا ما در تربیت معلمان مان از این موارد غافل هستیم یا حتی اگر مورد توجه مان هم هست در اجرای آن الکینیم.

راه حل دوه:

راه دوم برای معلم شدن شرکت در آزمون‌های استخدامی آموزش و پرورش است که هر ساله برگزار می‌شود تا خلأ معلمان و نیروهای آموزش و پرورش پر شود. خلأیی که به دلیل بالا رفتن سن معلمان و بعد بازنشستگی آنها ایجاد شده است. این می‌تواند بیانگر علاقه نداشتن نسل جوان‌تر برای کار به عنوان معلم باشد. کمبود علاقه‌ای که می‌شد از آن

می‌شود. معلمی که ویدئوهای دیگری از کلاسش و نحوه تدریسش در صفحه‌اش منتشر شده بود و خودش را یک معلم اینفلوئنسر می‌داند - بررسی این پدیده و سنخیت معلم با یک اینفلوئنسر بماند در فرصتی دیگر - در ویدئو دیده می‌شود. بازخوردهای زیادی دریافت می‌کند. مثبت و بیشتر منفی. رسانه‌ها می‌گویند معلم اخراج شده است، گویا در این میان معلم کوتاهی کرده است و بچه‌ها را از راه به در کرده است! اما آیا حقیقتاً کوتاهی از طرف معلم بوده است؟ در این میان بی‌توجهی و کوتاهی اولیای دانش‌آموزان در قبال فرزندان شان و محتوایی که نباید، اما به راحتی به آن دسترسی دارند چه می‌شود؟ آیا خانواده‌ها بیشتر از این معلم کوتاهی نکرده‌اند؟

معلمی که مثل تمام فعالان معمولی فضای مجازی، شاهد موج جدیدی بوده است و با این موسیقی آشنا شده. او احتمالاً از فرصت زمزمه و همخوانی شاگردانش استفاده می‌کند تا برای صفحه‌اش که پیشتر هم به آن اشاره کرده بودیم محتوایی تهیه کند.

کاری که بعدتر بابتش عذرخواهی می‌کند و علت این عملش را توجیه نبودن می‌داند. سؤال این است که چه کسی باید او را توجیه می‌کرده است و بعد راهی کلاسش کند؟ آیا اصلاً ما تشکیلات درستی برای تربیت و توجیه معلمان مان که قرار است الگو و سازنده نسل جدید جامعه ما باشند داریم یا خیر؟

باید کمی در رابطه با انتخاب و گزینش معلمان و در نهایت مهیا کردن شان برای حضور در کلاس دقیق شویم. مسأله‌ای اساسی که تا به حال به سادگی از کنارش گذشته‌ایم.

برای معلم شدن و بهتر به استخدام آموزش و پرورش درآمدن تنها دو راه وجود دارد که به دلیل وجود مدارس غیردولتی راه سومی هم به آن ضمیمه می‌شود.

راه حل یک:

راه اول این است که متقاضیان کنکور پس از اعلام نتایج و در

محدودیت‌هایی اعمال شده است اما با این همه، دسترسی به این اپلیکیشن‌ها و پیام‌رسان‌های غیرمجاز، غیرممکن نیست. شاید از میزان فعالیت‌ها در این فضا کمی کاسته شده باشد اما همچنان خبرساز و جریان‌ساز است. درست مثل قبل ممکن است دیالوگی، کلیپی و حتی ترانه‌ای وایرال و ترند شود. (یعنی آن که در مرکز توجهات قرار بگیرد و اکثر فعالان فضای مجازی از آن پیروی کنند).

همان‌طور که همین اتفاق هم افتاد. یک ترانه، شاید به زبان محلی مازنی تبدیل شد به موج جدید فضای مجازی - در ظاهر محدود شده - این روزها، ترانه‌ای که محتوایش مناسب همه گروه‌های سنی نیست اما مثل همیشه از بین تمام افراد آن گروهی که نباید، خیلی خوب این ترانه را شنیده‌اند و حتی از بر کرده‌اند.

دانش‌آموزان دبستانی. همان گروهی که نباید به این محتواها دسترسی داشته باشد اما دارد. بی‌توجهی به محتوای این ترانه و صرفاً به دلیل حال و هوا و ریتم متفاوت و تازه‌اش به آن علاقه‌مند شده است. این که اگر از یک موسیقی یا شعر و هر چیزی مانند این خوش‌مان بیاید آن را زمزمه کنیم، اتفاق عجیبی نیست، حتی در مواردی اگر افرادی هم سلیقه پیدا کنیم آن را با هم زمزمه خواهیم کرد. پس اصلاً دور از انتظار نخواهد بود که دانش‌آموزان این ترانه که انگار همگی با آن ارتباط گرفته‌اند را همخوانی کنند. چه در خانه، چه در مسیر مدرسه چه در زنگ تفریح و حتی در کلاس درس.

در ادامه همه ویدئوهایی که در فضای مجازی در ارتباط با این ترانه پخش می‌شد. ویدئویی نشر پیدا می‌کند از یک کلاس درس در حضور معلم که در حال خواندن این ترانه هستند. ویدئو توسط خود معلم منتشر

